

# فشارهای امنیتی بر کانون نویسندگان ایران همچنان ادامه دارد

کانون نویسندگان ایران

پس از احضار و بازجویی از بکتاش آبتین و رضاخندان (مهابادی) اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، اخیراً نیز کیوان باژن عضو کانون به دفتر مرکزی وزارت اطلاعات احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت.

روز شنبه دوم خرداد در تماسی تلفنی، کیوان باژن نویسنده و عضو کانون برای بازجویی در روز دوشنبه چهارم خرداد به آن اداره فراخوانده شد.

کانون نویسندگان ایران به افزایش این گونه فشارهای امنیتی معترض است و آن را از موارد بارز نقض آزادی بیان و حق ایجاد و حضور در هرگونه تشکیلات می داند.

کانون نویسندگان ایران

۵/۳/۱۳۹۴

## همدلی با ویدا حاجبی تبریزی

در سوگ رامین

شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۱۶ مه ۲۰۱۵

رامین بار تو حاجبی، در نیمروز سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ (۱۲ می ۲۰۱۵) در بیمارستان "بوژون" کلیشی، نزدیک پاریس، چشم از جهان فرو بست و به جدالی پایان داد که ۱۸ سال تمام با متانتی مثال زدنی

با بیماری، به پیش برده بود. نه از اینرو که می خواست میدان را خالی کند، بلکه مرکب تن، دیگر یارای حمل سوار استوار را نداشت.

زندگی رامین از همان سال های نخست بر بستری پر تلاطم شکل گرفت. پدر در ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین در کوچه های انقلاب می تاخت. مادر در زندان های شاه مقاومت می کرد و رامین، در خلوت پر مهر خانواده حاجبی، مبارزه این دو را ارج می نهاد و نگران بود مبادا وجودش دغدغه خاطری برای پدر و مادر مبارزش باشد. نهال زندگی ۵۵ ساله رامین به کمال از این تبار جان گرفت ولی رویش و بالندگی شاخ و برگش، به همت تلاش و صفای خودش ادامه یافت. این ترکیب پویا و بدیع از رامین انسانی ظلم ستیز، زحمتکش، هوشمند، نوجو، فریب گریز و به غایت مهربان و بی ادعا به وجود آورد. این صفات در مراحل مختلف زندگی سیاسی، اجتماعی، و شخصی اش با مصداق های بی شماری قابل شناختن است. همراهان او در همه عرصه های زندگی اش، چه همدیفان دانشگاه و کار و چه کارگرانی که او برای کمک به تلاش و مبارزه شان چندی با آنها همکار و همراه بود، حتی پزشکان و پرستاران معالجش نیز، بر این همه گواهی می دهند. شخصیت رامین آئینه زنده جهان زیبائی است که بسیاری از انسانها، رویای دیدنش را در فردهای دور داشته و دارند.

رامین زندگی را ارج می گذاشت. خندیدن و شاد بودن را دوست و زیبائی را پاس می داشت. با کج بینی ها کنار نمی آمد و با تندگوئی و خشونت بیگانه بود. هستی اش درسی است که پس از او همچون سرودی در گوش کسانی که او را از دور و نزدیک می شناختند، سال ها زمزمه خواهد شد.

در گذشت رامین عزیز را به خویشان و دوستان او، به ویدا حاجبی و پدرش اسوالدو بارِ تو، به آزاده، افشین، حمیده، سپیده و سیاوش تسلیت می گوئیم. امیدواریم که یاد زنده رامین یارای کاستن از تلخی دوری او را داشته باشد.

پرواند آبراهیمیان، اروان آبراهیمیان، پیروز آدمیت، بنفشه آذرکلاه، هومن آذرکلاه، بهجت آشوری، داریوش آشوری، رسول آذرنوش، ابراهیم آوخ، فرهاد آسور، آسیه احمدی، فریدون احمدی، نوشین احمدی خراسانی، مستوره احمدزاده، مریم اشرافی، مهدی اصلانی، پروین اردلان، اعظم ازغندی، بیژن اقدسی، یوسف اردلان، نسترن اسدیان، بانو اسکندانی، قادر اسکندانی، بهمن امینی، فریده اعظمی، رخشنده

اعظمی، مرجان اعظمی، محمد اعظمی، رضا اکرمی، الهه امانی، ایران انصاری، پوران انصاری، الناز انصاری، ملیحه انصاری، منصور انصاری، نسان انصاری، وهاب انصاری، حسین انور حقیقی، اصغر ایزدی، دنا بابا احمدی، مهرداد باباعلی، منیره برادران، بیژن برهمندی، ژنیا برهمندی، مهران براتی، یداله بلدی، فیروزه بنی صدر، علیرضا بهتوئی، عصمت بهرامی، اثر بهنام، نورا بیانی، خسرو پارسا، ناصر پاکدامن، مهدی پرویز، ژینوس پزشکی، مهشید پگاهی، مریم پور تنگستانی، حسین پور جانکی، علی پورنقوی، بیژن پیرزاده، امیر پیشداد، زری تاثیران، فردوس تاجدینی، پروین تاجی، منیژه تام، تقی تام، طلعت تقی نیا، نیره توحیدی، منیر توفیق، زهره تنکابنی، فریبا ثابت، فلور جاوید، اسفند جاوید، اقدس جاویدی، سیروس جاویدی، میهن جزنی، بابک جزنی، علی جلال، عاطفه جعفری، حسن جعفری، محمد جلالی(م-سحر)، جواد جواهری، فردوس جمشیدی رودباری، سارا جوشنی، رضا جوشنی، زهره حبیب محمدی، فرنگیس حبیبی، شاهو حسینی، بهروز حشمت، تراب حق شناس، نقی حمیدیان، احمد حمیدزاده، نسیم خاکسار، اسماعیل ختائی، اصغر خرسند، زکا خسرو شاهی، بهروز خسروی، رضا دقتی، فرهاد داودی، بهروز داودی، رضا درخشان، مهرداد درویش پور، مهدی ذوالفقاری، زری دوراس، بهناز دهقان، عزت دولت آبادی، پروین دهقان، حسن راهی، سهیل رسولی، فرهمند رکنی، ناصر رحیم خانی، علی رضوی، احمد رناسی، میهن روستا، فواد روستائی، بیژن رستگار، مجید زربخش، حسن زهتاب، فخری زرشگه، رحمان ساکی، علی ستاری، نسرین ستوده، ثریا سعادت، نسرین سلمان مظفر، سیامک سلطانی، هدایت سلطان زاده، اکبر سوری، اکبر سیف، بیژن سعید پور، فاطمه سعیدی(شایگان)، منصوره شجاعی، شهلا شفیق، مرضیه شفیع، رزیتا شرف جهان، آرزیتا شرف جهان، حماد شیبانی، ملیحه شریف زاده، جواد صاحبی، محمد حسین صدیق یزدچی، صدیقه ثرافت، نبی صمیمی، پروین ضرابی، فرزانه ضیا فتحی، زری طبائی، فرزانه طاهری(گلشیری)، مجتبی طالبقانی، بهروز عارفی، مجید عبدالرحیم پور، فرزانه عظیمی، مه دی علوی، دلارام علی، ثریا علیمحمدی، سرور علیمحمدی، ابراهیم علیپور، فرشته طیب غفاری، هبت طیب غفاری، سپیده فارسی، ساره فارسی، نیلوفر فاطمی، کامبیز فاروقی، مسعود فتحی، مسعود فراز، حمزه فراهتی، پرستو فروهر، مسعود فروزش راد، احمد فرهادی، بهروز فرهانی، ویدا فرهودی، ملیحه فرهنگ، شهلا فرید، فرهنگ قاسمی، مهین قاضی، ناصر قاضی زاده، موژان قطبی، پرویز قلیچ خانی، شهرام قنبری، هایده قهرمانی، بهار کشاورز، زریون کشاورز، مازیار کشاورز، بهزاد کشاورزی، صادق کار، رضا کاویانی، مقصود کاسبی، ساسان کیانی، فرشین کاظمی نیا، حجت کسرائیان، سودابه کسرائیان،

سیروس کسرائیان، علی کشتگر، علی کریم زاده، بهزاد کریمی، اسفندیار کریمی، کاظم کردوانی، سیامک کلهر، رئوف کعبی، مهدی کوهستانی، اکرم السادات کوهساری مرند، منوچهر گلشن، سهیلا گلشاهی، باربد گلشیری، سیامک لطف الهی، عفت ماهباز، مهناز متین، مریم متین دفتری، هدایت متین دفتری، علی متین دفتری، ملیحه محمدی، پرویز مختاری، سیروس مددی، مصطفی مدنی، باقر مرتضوی، ایرج مصداقی، ژیلا معظمی، بهروز معظمی، بیژن معجزی، هایده مغيثی، سحر مفخم، منوچهر مقصودنیا، جمشید مهر، ناصر مهاجر، فیروزه مهاجر، مهران مصطفوی، انور میرستاری، سیروس ملکوتی، حسین منفردی، محمد منتظری، خاطره معینی، عفت مهجوبی، بهجت مهجوبی، ذبیح موسوی، ناهید میرحاج، اشرف میرهاشمی، حسن نادری، رضا ناصحی، ناهید ناظمی، نوشین ناظمی، علی ندیمی، شیدا نبوی، ناهید نصرت، پرویز نعمان، زهره نعیمی، حمید نعیمی، فرخ نگهدار، شهین نوائی، حمید نوذری، پرویز نویدی، مسعود نقره کار، ایرج نیری، پروین واحدی پور، نازی والیزاده، شیدان وثیق، مریم ورزنده، شمسی ورزنده، بهروز ورزنده، صدیقه هادی، عباس هاشمی، پروین همتی، مهشید یاسری، فریده یامچی، محسن یلفانی، فاطمه یوری...

---

## محمد علی سپانلو درگذشت (۱۳۹۴ - ۱۳۱۹)

✱ بیانیه‌ی کا نون نویسندگان ایران

محمد علی سپانلو، شاعر، پژوهشگر، مترجم و از بنیان گذاران کانون نویسندگان ایران، شامگاه روز دوشنبه بیست و یکم و اردیبهشت ماه پس از تحمل چندسال بیماری در گذشت.

سپانلو یکی از چهره های شاخص در میان شاعران نیم قرن اخیر ایران بود که با انتشار بیش از پانزده مجموعه شعر سهمی شایسته در شکوفایی شعر نو فارسی برعهده داشت. او همچنین با انتشار بیش از سی عنوان کتاب در زمینه ترجمه و پژوهش، در راه اعتلای فرهنگ کشور کوشید و نام خود را در کنار نام آوران ادبیات و فرهنگ ایران به ثبت رساند.

سپانلو از موسسان کانون نویسندگان ایران و از فعالان جنبش دانشجویی در دهه چهل بود و نزدیک به نیم قرن از اهداف و استقلال کانون و آزادی اندیشه و بیان دفاع و با سانسور مبارزه کرد.

کانون نویسندگان ایران درگذشت این شاعر آزاده را به خانواده، دوستان و دوست دارانش و به جامعه فرهنگی مستقل و مردم ایران تسلیت می گوید و در مراسم خاکسپاری، یادبود و بزرگداشت او در کنار خانواده اش خواهد بود.

کانون نویسندگان ایران  
سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴

## کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل موج اخیر اعدام و شمار زیاد اعدام های مخفی در ایران را محکوم کردند

✘ به گزارش «جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران»، در بیانیه ای که امروز جمعه ۸ مه ۲۰۱۵ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۴) در ژنو منتشر شد، گزارشگران ویژه سازمان ملل برای وضعیت حقوق بشر در ایران و اعدام های فراقضایی، احمد شهید و کریستف هاینز، امروز افزایش شدید اعدام ها در ایران در هفته های اخیر را محکوم کردند. منابع رسمی در بسیاری از موارد اعدام ها را اعلام نکرده اند و نام زندانیان اعدام شده نیز منتشر نشده است.

آقای شهید تاکید کرد: زمانی که دولت ایران حتا از اعلام میزان واقعی اعدام های انجام شده سر باز می زند، به شدت به کرامت انسانی و هم حقوق بین المللی حقوق بشر بی احترامی می کند.

بنا به گزارش ها، در فاصله ۹ تا ۲۶ آوریل ۲۰۱۵ (۲۰ فروردین - ۶

اردیبهشت ۱۳۹۴)، دست کم ۹۸ زندانی اعدام شده اند که میانگین بیش از ۶ اعدام در روز را نشان می دهد. با این موج آخر اعدام ها، مجموع اعدام های انجام شده از ۱ ژانویه ۲۰۱۵ (۱۱ بهمن ۱۳۹۳) تاکنون به ۳۴۰ مورد رسیده است که در میان آنها شش زندانی سیاسی و هفت زن بوده اند.

ادامه در پیوست یا در اینجا: <https://www.fidh.org/article۱۷۶۳۸>

---

League for the Defence of Human Rights in Iran (LDDHI) – FIDH member  
جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر)۔

فیس بوک <http://www.facebook.com/lddhi.fidh>  
E-mail: [lddhi@fidh.org](mailto:lddhi@fidh.org) یا [lddhi.fidh@gmail.com](mailto:lddhi.fidh@gmail.com)  
Twitter: @fidh\_fa

Youtube:

<https://www.youtube.com/channel/UCLy۲KJACyt۰kXa0m۵۳0XtEw>

صفحه ایران فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر  
صفحه فارسی فدراسیون

/FIDH's Iran page: <http://www.fidh.org/en/asia/iran>

---

## برنامه نظارت دستگیری خودسرانه خانم نرگس محمدی را به شدت محکوم می کند



پاریس – ژنو، ۵ مه ۲۰۱۵ ( ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ ) – برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، که برنامه مشترک «فدراسیون بین

المللی جامعه های حقوق بشر» (FIDH) و «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه» (OMCT) است، دستگیری امروز مدافع حقوق بشر خانم نرگس محمدی را در ایران محکوم می کند.

خانم نرگس محمدی، سخنگو و نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر، در ساعات اولیه امروز صبح، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴، به دست ماموران امنیتی که تهدید به شکستن در کردند در خانه اش دستگیر شد. در پی دستگیری او، ماموران مدعی شدند که او را «برای اجرای حکم» بازداشت می کنند. برنامه نظارت یادآوری می کند که خانم محمدی در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ برای گذراندن حکم شش سال به زندان رفت، [۱] ولی در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۱ به علل پزشکی با وثیقه آزاد شد.

خانم محمدی روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ در جلسه اول محاکمه خود در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی حضور یافت. پس از این که مدعی العموم کیفرخواست را قرائت کرد، محاکمه به تعویق افتاد تا وکلای خانم محمدی بتوانند پرونده دادستانی علیه او را بخوانند. پس از این جلسه، خانم محمدی گفت که سه اتهام اصلی در کیفرخواست علیه او مطرح شده است:

- «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» از طریق فعالیت های او در کانون مدافعان حقوق بشر و همکاری با «[گیرنده جایزه نوبل] شیرین عبادی، گروه های ضدانقلاب و گروه های فمینیستی»؛

- «فعالیت تبلیغی علیه نظام» از طریق «مصاحبه با رسانه های ضدانقلاب و بیگانه، شرکت در تجمعات غیرقانونی و حمایت از جریان فتنه و محکومین ضدامنیت»؛ و

- «عضویت در گروهک غیرقانونی و ضدامنیتی لگام» [۲]  
خانم محمدی چندین سال است که به خاطر فعالیت حقوق بشری خود با آزار مداوم قضایی، از جمله احضارها، بازجویی ها و محاکمه های مختلف، روبرو است.

خانم محمدی روز ۱۷ اسفند ۱۳۹۲ در سفارت اتریش با نماینده عالی اتحادیه اروپا برای امور خارجی و سیاست امنیتی در آن زمان، خانم کاترین اشتون که در سفری رسمی به تهران به سر می برد، دیدار کرد. در پی این دیدار، دولتمردان مسافرت او را به خارج ممنوع کردند و او از آن پس بارها در مورد گفتگوهایش با خانم اشتون در باره سرکوب جامعه مدنی و وضعیت زندانیان سیاسی در ایران، مورد بازجویی

قرار گرفته است. از اسفند ۱۳۹۲ به بعد، او ۱۰ احضاریه دریافت کرده و دو بار به مدت چند ساعت در بازداشت مأموران امنیتی به سر برده است.

خانم محمدی در ۱۱ خرداد ۱۳۹۳ به دادرسی انقلاب اسلامی احضار شد و به خاطر فعالیت های مختلف خود از جمله مشارکت در نشست هایی برای نقد «منشور شهروندی» دولت و بحث در باره «روز جهانی زن» و «روز هوای پاک» به «تشویش اذهان عمومی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» متهم شد.

در آبان ۱۳۹۳، برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر از احتمال دستگیری دوباره او به اتهام های ساختگی ابراز نگرانی کرد. [۳]

برنامه نظارت نگرانی عمیق خود را از دستگیری خودسرانه امروز خانم نرگس محمدی و تداوم آزار قضایی علیه او که به ظاهر فقط قصد مجازات برای فعالیت های حقوق بشری اوست، ابراز می کند.

برنامه نظارت از گروه تحقیق سازمان ملل برای حبس های خودسرانه درخواست می کند در مورد خانم محمدی اقدام کند و از دولتمردان ایران می خواهد او را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنند و در هر شرایطی سلامت جسمانی و روانی او و تمام مدافعان حقوق بشر را در ایران تضمین کنند. برنامه نظارت به طور کلی از دولتمردان ایران می خواهد به تمام آزارها - از جمله در سطح قضایی - علیه تمام مدافعان حقوق بشر در ایران پایان دهند.

---

یادداشت

[۱] نگاه کنید به به پیام رسانه ای برنامه نظارت به تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۲ ( ۴ اردیبهشت ۱۳۹۱)

[۲] گروه لگام کارزار لغو گام به گام اعدام است که چند تن از فعالان و مدافعان حقوق بشر از جمله وکیل حقوق بشری خانم نسرين ستوده به راه انداخته اند.

[۳] نگاه کنید به پیام رسانه ای برنامه نظارت به تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۱۴ ( ۱۶ آبان ۱۳۹۳)



# شاد باش نوروزی کا نون نویسندگان ایران



## سال نو خسته باد!

از سردی و تاریکی چه باک آن هنگام که گرمی و روشنایی در راه است. گردش زمستان به بهار، پیام نمادین طبیعت به انسان‌هایی است که در بند رنج گرفتارند. پیامی نویدبخش که انسان امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند شنیدن آن است؛ زیرا اکنون فراتر از هر دوره‌ای جهل و عقبماندگی، اختناق، سرکوب و ستم او را تهدید می‌کند.

آرزومندیم که سال جدید سال به بار نشستن امیدها و تلاشها باشد. امید به رهایی زندانیان سیاسی و عقیدتی، شکفتن آزادی بیان و شکستن سد سانسور؛ امید به زدودن فقر و فلاکت از جامعه، جاری شدن لبخند بر همه لبهای بسته و جوشیدن شادی در دلهای خسته؛ تا انسان بتواند انسانی زندگی کند.

با این امیدها کانون نویسندگان ایران فرا رسیدن سال ۱۳۹۴ و عید نوروز را به مردم ایران، اهل قلم و اعضای خود تبریک می‌گوید.

کانون نویسندگان ایران

۲۵ اسفند ۱۳۹۳